غلامرضا آذری خاکستر
کارشناس و پژوهشگر تاریخ

بانوی فرهنگ‌دوست و واقف کتابخانه شخصی

مشارکت زنان در کارهای فرهنگی باعث شده است برخی از آن‌ها در دفاع از حقوق زنان منشأ خدماتی باشند. دکتر مریم میرهادی از جمله این بانوان است. او فرزند سید علی اکبر (رفعت نظام)، اول فروردین ۱۲۹۲ در شیراز به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و بدین ترتیب، سرپرستی او را عمویش، سرهنگ سید ابوالقاسم میرهادی، به عهده گرفت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند و در سال ۱۳۱۰ برای ادامه تحصیل در دانشگاه سوربن به پاریس رفت و در رشته زبان وادبیات فرانسه فارغ‌التحصیل شد. پس از بازگشت به ایران، در سال ۱۳۱۳ شمسی به عنوان یکی از نخستین دختران وارد دانشکده پزشکی شد و تحصیلات خود را در آن دانشکده به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ نیز رساله دکتری خود را درباره سیفلیس دهان نوشت و با درجه عالی قبول شد. او از سال ۱۳۲۵ به خدمات فرهنگی اجتماعی پرداخت. دکتر میرهادی پس از چندی، امتیاز روزنامه «ندای زنان» را گرفت و آن را منتشر کرد. این هفته‌نامه با رویکرد اجتماعی و پزشکی از سال ۱۳۲۶ منتشر و تا سال ۱۳۴۲ تداوم داشته است. او شعر نیز می‌سرود و انجمن ادبی ناهید را تأسیس کرد که محفلی برای شاعران و اهل فرهنگ بود.

بنابر محتوای اسناد تاریخی، دکتر میرهادی در ۲۲ خرداد ۱۳۳۴ طی مکتوبی به اوکتایی، رئیس کتابخانه آستان قدس، پیشنهاد اهدا کتابخانه شخصی‌اش را داده است. در بخشی از این نامه آمده است: این‌جانب حاجیه دکتر مریم میرهادی، صبیه مرحوم سید علی اکبر (رفعت نظام) تفرشی، از فامیل میرهادی، پزشک رسمی وزارت فرهنگ و نویسنده روزنامه «ندای زنان» و تألیفات متعدد، کتابخانه مختصر خود را که محتوی ۳۰۸۵ عدد کتاب از قبیل کتاب‌های علمی، طبی، ادبی و غیره به ۴ زبان فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه می‌باشد تقدیم کتابخانه آستان قدس می‌نماید که در حیات خود استفاده نموده و پس از مرگ تحویل آن کتابخانه مقدس نمایند. تنها درخواست و وصیتم اینکه غرفه‌ای که کتاب‌های نام‌برده فوق را در آن قرار می‌دهید به اسم باشد که پس از مرگ، در جوار جد بزرگوارم، اسم این‌جانب در کتابخانه آستان قدس برای ابد باقی بماند.

هم‌چنین این بانوی خیر در ۹ مهر ۱۳۳۹ یک باب خانه ملکی خود واقع در تجریش تهران را وقف آستان قدس رضوی کرد که بخشی از درآمدهای آن برای تأسیس درمانگاهی هزینه شود.

دکتر میرهادی در سال ۱۳۳۱ از سوی سندیکای دندان‌پزشکی ایران در یازدهمین کنگره جهانی دندان‌پزشکان در لندن شرکت کرد و سال ۱۳۳۴ از طرف وزارت فرهنگ به دانشگاه پاریس اعزام و در رشته بیماری‌های دهان و دندان از آن دانشگاه و نیز رشته بیماری‌های دهان کودکان از دانشگاه لندن تخصص گرفت. او علاوه بر خدمات دندان‌پزشکی، آثاری را تألیف و ترجمه کرده است. کتاب‌های «مشاهیر و بزرگان شرق و غرب جهان»، «سیفلیس دهان»، «تشخیص و درمان کوفت»، «آماس گوشت دندان» یا «التهاب لثه»، «پرورش کودک»، «تاریخ نویسندگان پارس»، «زندگانی زن»، و «خاطرات لندن» یا «مشاهدات ناهید» از آثار اوست.

سرانجام این بانوی فرهیخته در ۲۸ اسفند ۱۳۵۹ دار فانی را وداع گفت و در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.

عکس تزئینی است

نبود آگاهی و افزایش نابرابری اجتماعی

دکتر مهتاب علی‌نژاد
جامعه‌شناس

بیشتر مردم در جامعه به‌ویژه در ایام سخت کنونی که معیشت، اقتصاد و بقا در مخاطره است، از فقر به عنوان مشکلی اجتماعی نام می‌برند. افزایش سرقت‌ها، کاهش احساس امنیت و افزایش فشارهای روانی ناشی از مشکلات معیشتی که امروزه به فقر اقتصادی نسبت داده می‌شوند، در واقع عاملی ریشه‌ای‌تر از فقر دارند. درخت فقر بر ریشه‌های نابرابری‌های متعدد اجتماعی استوار است. نابرابری‌های اجتماعی نیز امروزه به دلیل شرایط همیشه متغیر جامعه، شدتی بیش از گذشته دارد. ایجاد نابرابری اجتماعی توسط جامعه و ساختار مدیریتی به طور هم‌زمان سبب شده است نابرابری‌ها معمول و اجتناب‌ناپذیر شناخته شوند. در نتیجه، نه تنها اقدامی برای کاهش آن صورت نمی‌گیرد، روزبه‌روز بر شدت آن افزوده می‌شود. آیا این شکاف طبقاتی آسیب‌زا فقط در زمینه اقتصادی وجود دارد و آیا نابرابری‌های اجتماعی تنها در این عرصه است که می‌تواند برای جامعه صدماتی جبران‌ناپذیر به دنبال داشته باشد؟

به زندگی روزمره و نحوه و میزان دسترسی خودتان و کسانی که می‌شناسید به امکانات مختلف نگاهی بیندازید. تا چه اندازه دسترسی به امکانات و منابع برای ساختن یک زندگی معمولی را بین افراد جامعه برابرانه می‌بینید؟ شما را به یک مشاهده معمولی و ساده در زندگی روزانه‌تان دعوت می‌کنم. از لحظه‌ای که برای انجام کاری از منزل خارج می‌شوید و در جامعه حضور پیدا می‌کنید تا لحظه‌ای که به خانه بازمی‌گردید، به آدم‌های مختلف با شرایط متفاوت که در کنار شما در اماکن متعدد شهری حضور دارند نگاه کنید و محیط پیرامون خود را از نظر امکانات موجود و محدودیت‌های استفاده از امکانات برای افراد مختلف بررسی کنید. در جست‌وجوی موارد عجیب، نادر یا شگفت‌آور نباشید. اندیشیدن را از موارد جزئی و زندگی روزمره آغاز کنید. ابتدا این سؤال را برای خودتان طرح کنید که هنگام استفاده از امکانات شهری در طول روز و برای انجام یک کار ساده و تحرک روزمره از سوی فردی متفاوت از شما (برای نمونه، اگر شما توانمندی کامل فیزیکی دارید، فرد متفاوت از شما فردی دارای معلولیت از هر نوع آن است) به اندازه شما امکانات دارد؟ برای نمونه، فردی که روی صندلی چرخ‌دار نشسته است برای سوار شدن به اتوبوس با شما برابر است؟ آیا ساختار اجرایی جامعه امکانات موردنیازش را برای او ایجاد کرده است؟ آیا معماری و ساخت‌وساز شهری در طراحی اولیه یا اصلاحی در طول زمان به تأمین نیازهای همه افراد جامعه توجه داشته است. برای نمونه، امکانات مورد نیاز برای رفت‌وآمد ایمن و آسان برای افراد دارای معلولیت در فضاهای شهری و منابع عمومی فراهم است یا جامعه اقلیت افراد دارای معلولیت را در تخصیص امکانات از قلم انداخته است؟

نابرابری اجتماعی از مواردی به همین سادگی و قابل رؤیت در زندگی روزمره تا موارد کلان در زندگی اجتماعی گسترده شده است. ساده گذشتن از کنار نابرابری‌ها و نبود مطالبه تخصیص برابرانه‌تر امکانات از سوی مردم سبب استمرار نابرابری می‌شود. در واقع، حجم نابرابری به اندازه‌ای در جامعه زیاد است و خود ما به اندازه‌ای در تولید نابرابری‌های اجتماعی، استمرار آن‌ها و اعمال آن‌ها بر دیگران مشارکت کرده‌ایم که امری عادی و از پیش موجود تلقی می‌شود. به اندازه‌ای با نابرابری‌ها خو گرفته‌ایم که آن‌ها را ازلی می‌پنداریم و از مشارکت ناآگاهانه خود در ایجاد شکاف‌های اجتماعی غافل مانده‌ایم. حتی نقش سازمان‌های سیاست‌گذار و دستگاه‌های اجرایی را در تخصیص بودجه‌ها و امکانات و توزیع منابع نقش اساسی نادیده می‌گیریم.

علت تداوم نابرابری‌های اجتماعی در طول تاریخ اجتماعی بشر در جوامع متعدد در واقع همین نکته است که افراد جامعه درباره اینکه نابرابری اجتماعی امری ازلی نیست و به دست جامعه ساخته می‌شود آگاهی ندارند. ناآگاهی اکثریت جامعه گاهی سبب می‌شود نابرابری ایجادشده توسط دستگاه‌های مدیریتی و جامعه از سوی مردم پذیرفته شود و استمرار یابد. ناآگاهی سبب نبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی شده است. بیشتر مردم به دلیل ناآگاهی، نمی‌توانند این نکته مهم را درک کنند که تداوم بخشیدن به نابرابری‌های اجتماعی چگونه می‌تواند سراسر جامعه را به سوی مخاطره و چالش جامعه ناسالم سوق دهد.

این ناآگاهی سبب شده است جامعه نتواند به این تشخیص برسد که برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی باید به سوی برابرتر کردن تقسیم منابع و امکانات جمعی حرکت کند و برای گروه‌های در حاشیه مانده جامعه که از حقوق و مزایایی یکسان با دیگران برخوردار نیستند، مزایای اجتماعی متناسب با شرایط و نیاز آنان بخواهد: برای نمونه، گروه زنان، گروه کودکان، گروه افراد دارای معلولیت و غیره. توجه نکردن به نیازهای همه افراد جامعه و کمتر دیده شدن برخی گروه‌های اجتماعی از سوی سیاست‌گذاران عمومی سبب شده است برخی گروه‌ها در تقسیم منابع و امکانات آن‌چنان که بتوانند نیازشان را برطرف کنند، مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

در واقعیت، این اتفاق رخ داده است که گروه‌های برخوردار جامعه (برای نمونه، افراد سالم به دلیل بهره‌مندی از امکانات نسبی و نداشتن تجربه محدودیت‌های فیزیکی تحرک ناشی از معلولیت) برای تخصیص امکانات به همه گروه‌های جامعه متناسب با نیازهایشان برای زیستن سالم و موفقیت‌آمیز در جامعه به اندازه کافی احساس مسئولیت و مطالبه‌گری نکنند. نبود مسئولیت‌پذیری سبب شده است مطالبه جمعی و اکثریتی شکل نگیرد و جامعه نیاز به تغییر بینش و سیاست‌گذاری در زمینه تخصیص امکانات و الزام تأمین نیازهای همه افراد جامعه را جدی و لازم‌الاجرا تلقی نکند.

اولین گام در کاهش نابرابری‌ها در مقیاس کوچک و در زندگی روزمره این است که همه خود را در برابر سایر اعضا متعهد و مسئول بدانند. درک لزوم مسئولیت‌پذیری در برابر دیگری، از طریق ایجاد فرهنگ تعهد اجتماعی به کل جامعه ممکن می‌شود که به خودی خود مشارکت وسیع نهادهای آموزشی را می‌طلبد. تلاش برای کاهش نابرابری‌ها یک الزام اجتماعی برای جامعه سالم است.

علت تداوم نابرابری‌های اجتماعی در طول تاریخ اجتماعی بشر در جوامع متعدد در واقع همین نکته است که افراد جامعه درباره اینکه نابرابری اجتماعی امری ازلی نیست و به دست جامعه ساخته می‌شود آگاهی ندارند. ناآگاهی اکثریت جامعه گاهی سبب می‌شود نابرابری ایجادشده توسط دستگاه‌های مدیریتی و جامعه از سوی مردم پذیرفته شود و استمرار یابد

شهربانو

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیرمسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
مسئول ضمیمه: حمیده وحیدی

شهرزاد

الهام یوسفی
فعال فرهنگی

زندگی در بی‌خودی مطلق!

نگاهی به کتاب «نام‌های بی‌جنسیت»

مطالعه یک داستان ساده و روان که نیازی به تمرکز زیاد نداشته باشد و از پیچیدگی‌های یک داستان سورئال و نمادین هم خالی باشد به درد زمان‌هایی از روز می‌خورد که حوصله کتاب خواندن عمیق نداریم: یک داستان خیلی خیلی ساده، داستانی کوتاه و شفاف درباره آدم‌های معمولی! اگر اهل خواندن این نوع داستان‌ها باشید شاید نام آملی نوتومب به گوشتان خورده باشد، نویسنده فرانسوی که در سال‌های اخیر بسیار پرکار بوده و کتاب‌های بسیاری از او به زبان فارسی ترجمه شده است. گفته‌اند او سالی چند رمان می‌نویسد و تنها یکی از آثارش را چاپ و عرضه می‌کند. اگرچه خانم نوتومب فرانسوی است و داستان‌هایش را به زبان فرانسه می‌نویسد، به واسطه شغل پدرش زنی دنیادیده است. او ۵ سال اول زندگی خود را در پکن و سال‌های بسیاری را در بنگلادش، میانمار و آمریکا زندگی کرده است. شاید همین تجربه زیستن و دنیادیدگی به او این امکان را داده است که به آدم‌های مختلف و روابطشان با دقت بیشتری نگاه کند و عمیق شود. بیشتر داستان‌های او درباره شرایط و روابط انسانی و چالش‌های زندگی‌های معمولی است، چالش‌هایی که گاهی پیچیده و بغرنج و پر از درد می‌شوند. «نام‌های بی‌جنسیت» نام آخرین اثر اوست که به فارسی ترجمه شده است و باز هم داستان آدم‌های معمولی است: داستان یک عشق ساده، نفرتی که ناکامی به بار می‌آورد و انتقامی بیمارگونه.

شخصیت اول داستان زنی است به نام دومینیک که از زندگی مجردی خود رضایت دارد اما به‌واقع نمی‌داند چه چیزی از زندگی می‌خواهد. او به یک ازدواج تصادفی رضایت می‌دهد و بقیه زندگی خود را به گونه‌ای می‌گذراند که انگار خود اونیست که زندگی می‌کند. «نام‌های بی‌جنسیت» درباره آدم‌هایی است که فارغ از جنسیتشان در یک سردرگمی دائم به یک زندگی غریزی که دیگران برایشان خواسته‌اند تن می‌دهند.

دومینیک رؤیای زندگی در پاریس را در سر دارد، شهری که برای دختری مثل او غایت همه چیزهای زیباست.

همین رؤیای پوشالی باعث می‌شود او با اولین مردی که به او وعده زندگی در پاریس را می‌دهد ازدواج کند اما پاریس بر خلاف تصور او آن شهر رؤیایی نیست. پاریس هزارتویی است که پیشرفت اقتصادی تصویر رؤیای آن را از بین برده است. حالا او مجبور است در شهری زندگی کند که هیچ شباهتی به خواب‌هایش ندارد و با همسری که هیچ شباهتی به همسر رؤیاهایش ندارد. اصلا او از زندگی چه می‌خواسته؟! حالا همه چیزهایی که او می‌خواسته و برای آن‌ها پدر و مادر معمولی خود را رها کرده است همچون سراب از کار درآمده‌اند.

داستان‌های نوتومب همواره نوعی پیام اخلاقی در خود دارند، پیامی درباره آنچه هستیم و آنچه در رابطه از دیگران انتظار داریم. از آثار دیگر او که به فارسی ترجمه شده و طرف‌داران زیادی هم داشته است می‌توان به «پدرکشی»، «سفر زمستانی»، «آنتی کریستا»، «جنایت کنت نوویل» و «ترس و لرز» اشاره کرد.

نام‌های بی‌جنسیت
- نویسنده: آملی نوتومب
- ترجمه: دکتر محمدجواد کمالی

موسس نخستین مدرسه دخترانه مشهد

فروغ السلطنه آذرخشی در سال ۱۲۹۶ نخستین مدرسه دخترانه شهر مشهد را در خانه‌اش به راه انداخت. در آن زمان عده‌ای درس خواندن دختران را درست نمی‌دانستند و به دنبال تخریب مدرسه بودند. مبارزه او با مخالفان تحصیل بانوان ۵ سال به درازا کشید. او و چند زن همراهش شب و روز از آن مدرسه پاسداری کردند و اجازه ندادند کسی مدرسه را نابود یا تعطیل کند.